



انتخاب پزשיگان با افزايش مشارکت

معصومه ابتکار، معاون سابق رئيس جمهوری در گفت‌وگو با اقتصادآنلاین درباره انتخابات هشتم تيرماه گفت: «بعد از نزديک به سه دهه اصلاح طلبها اين فرصت را پيدا کردند که بتوانند کاندیدای اختصاصی خودشان را معرفی کنند و يك رقابت نسبی آن هم باز به صورتی که عادلانه نیست، شکل بگیرد. این انتخابات پنج به یک است؛ اما یک فرصتی پیش آمده است و یک فرد متخصص بدون رانت، با توانمندی خود و با تلاش، کوشش و پاکدستی به میدان بیاید. پزشکيان با رویکرد صادقانه خودش و با یک نگاه کاملاً علمی آمده است و خود را برای کاندیداتوری معرفی کرده است.» او همچنین گفت: «اگر بشود و بتوانند مردم را اقناع کنند، استدلال و رویکرد ارائه دهند، نگاه تخصصی و کارشناسی و نگاه دقیق بر مسائل مردم، مطالبات و خواسته‌های مردم اثر تاثیر بگذارند، امید هست که در این انتخابات مشارکت افزایش یابد و بتواند یک فرد متفاوت روی کار بیاید. افزایش مشارکت، امید به انتخاب پزشکيان را بیشتر می‌کند.»



امكان حضور نماینده کاندیدها تا پایان اخذ رای فراهم شود

علی جنتی، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ایلتا درباره شمارش دستی آراء انتخابات گفت: «تجربه انتخابات مجلس، تجربه خوبی برای ما نبود. در انتخابات مجلس بسیاری از حوزه‌هایی که رای گیری به صورت الکترونیکی برگزار می‌شد، یک پاشنه آشیل و نقطه ضعف برای انتخابات بود. اگر اجازه دهند که نمایندگان نامزدها در تمام حوزه‌های اخذ رای تا پایان شمارش آراء حضور داشته باشند، طبیعتاً این اشکالات به حداقل ممکن می‌رسد.» او ادامه داد: «اولی در خیلی از موارد بنا به دلایلی شاید اجازه ندهند که نمایندگان بعضی از کاندیدها تا پایان سر صندوق‌ها حضور داشته باشند، این خود مشکلی است که باید برطرف شود.» جنتی در پاسخ به این سوال که فکر می‌کنید رقابت اصلی انتخابات بین چه کسانی است؟ گفت: «خیلی مشکل است بگویم وضعیت رقابت چطور است، اما من فکر می‌کنم رقابت اصلی بین قالیباف و پزشکيان است.»



افراطی‌ها را کنار بگذاریم

محمد خوش‌چهره، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درباره انتخابات پیش روی ریاست جمهوری گفت: «ما در جناح اصولگرایان افرادی داریم که خلاقیت و ایده آنها از خیلی دوستان اصلاح طلب هم بالاتر است؛ مثلاً ایده‌های خوب اجتماعی و اقتصادی دارند که به واژه «اصلاحات» می‌خورد. در اصلاح طلبان هم دیده‌ام آدم‌های منتدی حضور دارند که خیلی از ما بالاتر هستند. بنابراین اگر افراطی‌های هر دو طرف را کنار بگذاریم، چیزی که دوام و بقای جمهوری اسلامی را سبب شده که بنیانگذارش امام راحل بود، «جمهوری اسلامی» است. یعنی مشارکت و حضور مردم لازمه این نظام است و اگر مردم نباشند، نظام دست دیکتاتورها، خودکامه‌ها و بیایده به جامعه منتقل می‌شود. وی در ادامه با تأکید بر کنار زدن فضای دوقطبی در جامعه گفت: «اولین حرفی که باید به جامعه منتقل شود این است که فراوان داریم و ما باید به سمت همکاری و وحدت عمومی برویم؛ این اولین دستاورد برای حل معضلات است.»

سوابق تحصیلی و مسافرتی و اقامتی مغایرت فاحش دارد؟ اگر عکس‌ها و اطلاعات شخصی رو کف تايم لاین منتشر نمی‌کنید روشن‌گری بفرمایند.

آنها همی‌گویند؟

بررسی آنچه هواداران محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی در فضای توئیتر به هم می‌گویند، بیانگر سه محور است: **یک تفاوت آشکار:** در ابتدا باید اشاره کرد آنها یک تفاوت بزرگ با هواداران محمدباقر قالیباف دارند. در توئیتر تعداد اکانت‌هایی با اسم واقعی که خود را حامی سعید جلیلی می‌دانند، در مقایسه با حامیان قالیباف بسیار کم است ولی در مقابل، اکانت‌هایی با نام مستعار و البته تعداد فالوئر بالا که حامی جلیلی هستند، تعدادشان بیشتر است. **حامیان قالیباف:** هواداران قالیباف بیشتر سعی دارند به عدم وجود کارنامه اجرایی از سوی سعید جلیلی اشاره کنند و این سوال را مطرح می‌کنند که اگر سعید جلیلی اصلح است، پس چگونه تا به امروز هیچ سمت اجرایی کلان نداشته است. در کنار این موضوع، قالیبافی‌ها می‌گویند که برخی هواداران جلیلی به آنها توهین می‌کنند و در دایره اخلاق خارج هستند؛ همچنین مدعی هستند این احتمال وجود دارد که در صورت کنارگیری سعید جلیلی، برخی از هواداران جلیلی در روز انتخابات رای سفید دهند.

حامیان جلیلی: اما آنچه هواداران سعید جلیلی درباره محمدباقر قالیباف می‌گویند دو محور اساسی دارد. آنها تمرکز اصلی خود را در دعوای مجازی روی موضوع خانواده رئیس قوه مقننه قرار داده‌اند و از ماجرای سیسومنی‌گیت و همچنین جریان اقامت گرفتن پسر قالیباف در کانادا فکت می‌آورند. حامیان جلیلی همچنین در کنار موضوع خانواده، به اطرافیان قالیباف هم اشاره دارند و می‌گویند اطراف او افرادی وجود دارند که در کارنامه‌شان اتهام فساد وجود دارد. البته در کنار این موضوع‌ها، نباید فراموش کرد که حامیان جلیلی تلاش زیادی دارند تا کاندیدای مطلوب خودشان را به سیدابراهیم رئیسی و دولت سیزدهم نزدیک بدانند.

پایان ماجراجیست؟

با توجه به بررسی صورت گرفته از فضای هواداران محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی می‌توان اینگونه تحلیل کرد که این درگیری‌ها تا روز انتخابات ادامه خواهد داشت و احتمالاً در روزهای آینده بیشتر و گسترده‌تر هم می‌شود. نکته مهم این است که در صورت کنارگیری یکی از این دو نفر به نفع هم، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ نگاهی به آنچه در فضای مجازی می‌گذرد، نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از حامیان این دو کاندیدآ آمادگی پذیرش کنارگیری علیه هم را ندارند و حتی این پتانسیل وجود دارد که در صورت کنارگیری هر کدام از آنها، بخشی از سبدرای کاندیدای کنارگیری کرده به سبدرای سایر اصول‌گرایان ریخته شده و یا حتی آنها رای باطله دهند. به عبارتی می‌توان فضای هواداری آنها را در صورت تصمیم در رأس برای یکی شدن، نوعی اتحاد سخت تعریف کرد؛ اتحادی که دستیابی به آن هر چند غیرممکن نیست اما سخت و دشوار خواهد بود.

به دوگانه جلیلی قالیباف معتقد هستید؟

بله. نقطه مقابل جلیلی، قالیباف است. البته، پرونده‌ها و مسائلی دربار دوران مدیریت او وجود دارد؛ اما نفع کارهایی که برای کشور در دوره مدیریت شهرداری و پلیس انجام داده، قابل توجه است. مدل مدیریتی‌اش تبادل امتیاز با نهادهاست و این مدل نیز برخی برزیوباش‌ها و مسائل را رقم زده است. همین مسائل به علاوه فعالیت ظاهر بینان راست به خصوص در فضای مجازی و عملکرد پرفراز و نشیب و گاهی منفی قالیباف علیه منتقدانش، باعث شد که به تدریج محبوبیتش در پایگاه رای ثابت اصولگرایان کم شود. اما پایگاه رای قالیباف فقط جریان اصولگرا نیست. بخشی از بدنه خاکستری جامعه که دنبال یک مدیر کارآمد فارغ از جناح‌بندی‌ها هستند، احتمالاً به قالیباف رای خواهند داد. بنابراین، همانطور که کاهش میزان مشارکت به اصلاح طلبان ضربه می‌زند، به قالیباف نیز ضربه می‌زند.

این مسئله یک استثنا در قبال شخص قالیباف است. اینطور نیست که اگر برای مجلس لیست بدهد، مردم استقبال کنند. در همین مجلس اخیر چهره‌های نزدیک به او رای نیاوردند. اما شخصیت خودش برای بخشی از جامعه که دنبال توسعه و ساختن هستند، جذابیت دارد. شاید می‌گویند بالاخره قالیباف با این کاراکتر، سقف آن چیزی است که در برابر ما قرار دارد. بخشی هم ممکن است از ترس جلیلی به قالیباف رای بدهند. ممکن است تحلیل‌شان این باشد که اصلاح طلبان نمی‌توانند جلوی بعضی امور را بگیرند، حداقل به قالیباف رای بدهیم که قدرت و پایگاهی در حاکمیت دارد و بقایای تندروها را تضعیف کند. بنابراین، قالیباف در بدنه اصولگرایی کاهش رای داشته؛ اما بخشی از رای خاکستری را دارد. به همین خاطر، اگر نرخ مشارکت از ۴۰ درصد مجلس دوازدهم تا حدی بالاتر برود - نه اینکه مشارکت عیسبی در حد ۷۰ تا ۸۰ درصد رقم بخورد - مثلاً به ۵۵ درصد برسد، بعید می‌دانم که در این بخش رای برای جلیلی وجود داشته باشد. ولی رای برای قالیباف در آن وجود دارد. همانطور که رای برای اصلاح طلبان وجود دارد. برخلاف دیگر کاندیداهای اصولگرا، قالیباف تا حدی از افزایش مشارکت سود می‌برد. البته بحث پورمحمدی را جدا کردم. هرچه مشارکت کم‌تر باشد، هواداران جلیلی به خاطر بدنه منسجمی که دارند، نفع بیشتری می‌برند. اما قالیباف رای بخشی از پایگاه اصولگرایی، خاکستری و بخش خاموش جامعه به خصوص در تهران و شهرهای بزرگ را دارد.

مشورت غلط داده‌اند بی‌شک ۴ سال آتی اگر رئیس جمهور شود دولت چهاردهم و کشور را نابود خواهند کرد.

علی یگانه: ولی خودمونیم توهینی که از اکثر طرفداران ایشان به خصوص لیبرهاشون شنیدیم از منافقین شنیدیم، خود جلیلی اقا است، اما خیلی از طرفداراش...

میگانیل دینی: مشکل آقای جلیلی فارغ از اینکه کلی گویی کند یا جزئی گویی؛ همواره موضوع نداشتن تجربه و کارنامه بوده که الان این موضوع ۱۱ ساله شده!

حامیان جلیلی علیه قالیباف

محمد جواد محمدزاده: این وضع فاجعه‌ی محبوبیت قالیباف، تازه در شرایطی است که بسیاری از جماعت متدین و انقلابی، به واسطه‌ی سانسور سیستماتیک رسانه‌های اصولگرا از حواشی متعدد قالیباف و خانواده‌اش بی‌اطلاع هستند. تأکید عزیزان قالیبافی بر اخلاق هم برای تداوم همین بی‌اطلاعی جامعه‌ی متدین هست.

وحید چریکی: آقای قالیباف شهید رئیسی عزیز هفت تپه رواج دست‌نااهلانی که کارگران رویه خاک سیاه نشونده بودن، پس گرفت الان میای به این کار کنایه میندازی و مخالفت می‌کنی؟! ببین خود نیست گفته می‌شد ۱۴۰۴ میاد روبه‌روی رئیسی قرار می‌گیره و در آخر... دلم برای رئیسی سوخت.

علی فولادی: ما مشکلمون اینه که آقای قالیباف یک بار برای همیشه نمید جلوی دوربین و از اسحاق و الیاسش چیزی بگه... آبروی نظام روسپر آبروی بیجه‌هاش کرده.

جواد مولایی: زمین و زمان به هم زده بشه من به قالیباف خوش بین نیستم، خطرناک هستش، خطرناک مغز بی‌قرار خوب بود فقط دوست داره تو همه جا نفوذ کنه به همه آسیب بزنه تا خودش تورا س باشد.

سمیه قنبری: من به سعید جلیلی رأی میدم چون به جای اینکه اطرافیانش غرق در فساد باشن، به شدت با فساد برخورد می‌کنه و معتقد به تولید داخلی؛ برعکس نماینده‌ای که معتقد به جای بالابردن کیفیت خودرو باید اونو وارد کنیم. **حسن پهلوان:** پزشکيان: آقای زاکانی برو مردم ترکیه و جاده‌های ترکیه رو ببین باید می‌گفت قالیباف با خانواده رفتن خرید از ایشون بپرسین.

محمد حسین لشکرکی: مرد تکنوکرات، مرد شاگرد هاشمی‌فرسنجانی، مرد پیمانکار، مرد عمله، مرد فسادزا، مرد باندباز، مرد پرورش دهنده‌ی عیسبی شریفی‌ها، مرد موافق فساد هفت تپه، مرد مهاجرت دهنده‌ی پسر به کانادا، مرد از ترکیه سیسومنی بخر. مردی با این کارنامه‌ی [...،] صلاحیت ریاست جمهوری را ندارد.

رضا فتحی: آقای قالیباف این همه کانال شمارو تبلیغ می‌کنند این پول از کجا میاد؟ چرا هزینه انتخاباتی تون رو شفاف نمی‌کنید؟

مهدی عباسیان: قالیباف داره خرج می‌کنه طرفداراش با دروغ‌پرکنی و تهمت دارن رای می‌بخن و گرنه عقلی و منطقی و دلی حساب کنی جلیلی خیلی ستره.

حسام دیدار: تمام حرف ما اینه، جناب قالیباف به عنوان مقام مسئول پاسخ سوالات افکار عمومی در مورد فرزندان و اطرافیان رو بدن، مثلاً چرا لیست اموال در مورد فرزندان



شد، انضباط مالی که مجلس تصویب کرد و... شما دقیقاً چه برنامه جدیدی دارید؟

رضا سلیمانی: همانگونه که آقای ثابتی عزیز در انتخابات هیئت رئیسه مجلس رای باطله (سفید) داد و بیش اختیار کرد؛ در روزهای گذشته طرفداران زیاد آقای جلیلی به صورت حضوری تلفنی و... گفتند اگر آقای جلیلی کنار برود ما رای باطله می‌دهیم. (سفید)

علی اتزک: دوستان طرفدار آقای جلیلی به نظرتون حضرت آقا مقام معظم رهبری چرا هرگز هیچ بست و جایگاه اجرایی به آقای جلیلی ندادند؟! همیشه ایشون رو به عنوان ناظر و مشاور حکم دادند و به کار گرفتند؟! به نظرتون اگر ایشون مدیر اجرایی قوی بودند برای اجرا جایی نمی‌فرستادند؟!

مهدی زمانی: متخصصان امر می‌گویند جلیلی حداقل‌های موضوعات فنی را نمی‌داند و این بسیار برای کشور خطرناک است چون کارشناسانی که یک دهه به ایشان

دولت نعتها همه‌رای با قالیباف و جریان اصولگرایی نداشتند، بلکه نیروهای بدنه آن‌ها در تعارض کامل با یکدیگر قرار گرفتند و دست به اتهام‌زنی، حملات و افشاجاری علیه یکدیگر زدند.

شخصیت و بروز سیاسی جلیلی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ جلیلی هم

مثل قالیباف در انتخابات یازدهم تا پایان رقابت در میدان بود و ۴ میلیون از آرای اصولگرایی را به خود اختصاص داد.

جلیلی شخصاً به‌زعم حامیان و برخی مخالفان، چهره‌ای مبتنی بر یک باور گفتمانی است که در رفتار و برخورد به نسبت اغلب چهره‌های جریان حاکم رعایت دوری از فساد، پاکدستی و اخلاق را انجام می‌دهد. اما آقای جلیلی زمانی در شورای عالی امنیت ملی مسئولیت داشت و مذاکرات ناظر جام را رقم زد که دولت اوباما بر سر کار بود و امکان توافق وجود داشت. اما چون ایشان در این سطح و جایگاه نبودند که بتوانند مذاکرات را پیش ببرند، چند سال فرصت کشور را سوزانند. این عملکرد جلیلی هم‌زمان بود با شعارهایی که احمدی‌نژاد راجع به نظم بین‌الملل و مسائلی مانند آن می‌داد که اگر تیر روحانی و طریقی روی کار نیامده بودند و تصمیم کلان نظام برای برجام و توافق صورت نگرفته بود، در همان اوایل دهه ۹۰ با وضعیت بدتری مواجه می‌شدیم.

خروجی عملکرد آقای جلیلی قطعنامه‌های شورای امنیت بود. وقتی برجام محقق شد، مسئله ترامپ پیش آمد و دولت روحانی به پایان رسید، در دولت رئیسی که متحد ایشان بود و خودشان این روزها مرتب کمی می‌آورند که این ایده و آن ایده را من به رئیسی دادم، نمی‌گویند که در تابستان ۱۴۰۱ که یار قدیمی ایشان آقای علی باقری کار را به آستانه احیای برجام رساند، جلیلی و نبویان و امثال آن‌ها با فضا سازی و مکاتباتی که کردند، دلخوشی زمستان سخت و سرد اروپا را مطرح کردند و این تجدید توافق را برگردانند. خروجی این بود که هم دولت رئیسی با کمبود منابع مواجه شد و هم روند تورمی که می‌توانست با احیای برجام کمی کاهش پیدا کند، به وضعیت فجیع ۱۴۰۱ و

